**بنام خداوند بخشندهٴ توانا**

طوبی از برای بصریکه الیوم بمشاهدهٴ لئالی عمّان بیان مقصود عالمیان فائز گشت و از برای سمعیکه باصغاء ندای مولی الوری که از افق اعلی مرتفعست مشرّف لا زال کتاب الهی که فارق بین حق و باطل است اهل توحید را ندامینماید و میفرماید اعملوا یا اولیائی ما امرتم به چه که مقام رجا باعمال ظاهر و صوم و صلوة ما بین اعمال بمثابه شمس و قمر است در آسمان اوامر و احکام الهی خذوهما بقدرة من عنده یا ایّها الطّائر فی هواء محبّة اللّه دوستانرا از قبل مظلوم سلام برسان و بگو مثل حزب شیعه عاطل و باطل نباشید بحبل احکام تمسّک جوئید و بذیل اوامر تشبّث سبحان اللّه حقّ جلّ جلاله سمع داد و بصر عنایت فرمود و قوهٴ مدرکه بخشیده و خرد لا مثل له داد تا کلّ باین اسباب و اسباب لا تحصی در امور تفکر نمایند و بما ینفعهم عامل گردند و لکن جهالت و نادانی عباد را از جمیع فیوضات ربّانی و رحمت رحمانی محروم نمود امید آنکه آنجناب بحکمت و بیان اولیا را آگاه نمایند تا بذیل اعمال تشبّث جویند اعمالیکه عرف قبول از آن متضوع و بطراز رضا مزیّن هادی دولت آبادی در ترتیب حزب آخر از حزب شیعه مشغول بحر عرفان امام عینش موّاج آنرا گذارد و تفحّص غدیر مینماید نسئل اللّه ان یؤیده علی العدل و الرّجوع انّه هو المقتدر القدیر و بالاجابة جدیر السّلام علیک و علی عباد اللّه الصّالحین المخلصین سیّالهٴ برقیه خبر خرابی بیت را ابلاغ نمود این ایّام از جمیع جهات اجرای امور توقّف نمود حضرات افنان بکمال عسر مبتلا البته شنیده‌اید که جمعی از بابیّه مال ایشانرا گرفته و بعد انکار نمودند و نزاع و جدال بر پا کردند جناب طبیب از حقّ جلّ جلاله مسئلت نماید اسبابی ظاهر فرماید تا خرابیهای عالم بعمار تبدیل شود و ظلم بعدل و کذب بصدق و فقر بغنا یا طبیب علیک بهائی اگر ناس قابل بودند البته امطار رحمت الهی و تجلّیات نیّر عنایت رحمانی کلّ را اخذ مینمود و از حضیض ذلّت باوج عزّت مقام عطا میفرمود قریب سیصد نفر از صغیر و کبیر در این ارض موجود از این فقره نزد متبصّرین باقی امور ظاهر و واضح قل الهی الهی ایّد عبادک علی الاقبال الیک و التّقرّب الی ساحة عزّک ثمّ انزل علیهم من سماء جودک برکة و رحمة من عندک انّک انت المقتدر علی ما تشاء و فی قبضتک زمام من فی السّموات و الارضین .